



مهر

حرف اول



حسین نخعی شریف
روزنامه‌نگار

روزهای پایانی شهر یورماه و اوایل مهر ماه، روزهای خاص و پر خاطره‌ای هستند از یک طرف خنکای تابستان و دلچسپی سفر و از دیگر سو جنب و جوش خانواده‌ها برای ورود به فصل پاییز و شروع سال تحصیلی. لذتی که بیشتر مردم آن را حس کرده و شیرینی آن را چشیده‌اند. امسال اما به خاطر شرایط کرونا، تقریباً هیچ یک از این دو، آن گونه که هر سال شاهدش بودیم، رخ نداد. آنه از شلوغی دهه آخر شهریور در مشهد خبری بود و نه در هنگام بازگشایی مدارس از بچه‌های قد و نیم‌قد با لباس فرم‌های تمیز و مرتب!

جدا چقدر امسال خالی بود جای زائران و عاشقان آقا علی بن موسی الرضا (ع) که از هر شهر و دیار با هر سلیقه و مرام، رنگین‌کمانی از عشق و محبت رادر حریم ثامن الائمه به وجود می‌آوردند و همچنین چقدر خالی بود جای دانش‌آموزان و آن همه شور و هیجان‌شان، قبل و قال و سر و صدایشان و ترافیک سخت اما دلنشین اول مهر، چهره‌های خواب‌آلود برخی بچه‌ها که سه ماه تابستان خورده بودند و خوابیده بودند و حالا روز اول مهری باسختی و البته کمی ناقصی هم ناراحت، روانه مدرسه شده بودند و در مقابل چه زیاد بودند بچه‌هایی که شاد و سرخوش دست در دست رفقایشان خنده‌کنان به بیان خاطرات می‌پرداختند...

از کلاس اولی‌ها هم که نگو و نپرس. اصلاً همه‌اش نوستالوژی و خاطره‌بازی است و یادیدن هر کوچولوی قفل‌کلی کلاس اولی، ناخودآگاه انگار خودمان بچه می‌شدیم و می‌رفتیم در فضای سال اول تحصیل خودمان و یاد خانم معلم یا آقا معلم بهر نامان که چقدر خوب و مهربان بودند.

امسال اما این صحنه‌های ناب و دلپذیر را خیلی کم شاهد بودیم و خیلی‌ها هم اصلاً در این فضا قرار نگرفتند و فضای اول مهر را حس نکردند، اما فراموش نکنیم بخواهیم و نخواهیم پاییز آمده، فصل زیبایی‌ها و رنگینه‌ها، فصل عشق و مهر بانی.

پاییز فصل رها کردن رازهایی است که مدت‌ها پنهانش کرده‌ایم، فصلی که با وجود سر مایش باید پنجره دلت را باز کنی و بغل بغل مهر بانی پس انداز کنی. پاییز فصل باران است و حس خوب قدم زدن بر روی برگ‌های زرد، قرمز و قهوه‌ای و صدای خش خش زیبایش.

پاییز را هر چند برخی فصل دلتنگی می‌نامند اما فصلی که با مهر و مدرسه و آن همه خاطره دلپذیرش می‌آید، دلتنگ‌کننده نیست، هست؟ می‌شود مهر باشد و عشوه‌گری رنگ‌هایش که سخت مست می‌کند، آنگاه تو دلتنگ باشی!

و حال این ماییم و این مهر همیشگی، مهری که ریشه در دل ما دارد، مهری که ریشه در فرهنگ و آیین ما دارد، مهری که دین مبین اسلام همواره بر آن تأکید کرده. پس در آغازین روزهای مهر جغرافیایی، دل‌های عاشقان را مهر بانانه چون همیشه سوی کسانی بفرستیم که این روزها سخت نیازمند این مهرند. دانش‌آموزانی که دوست دارند و البته حق هم دارند که از حداقل‌های یک زندگی برخوردار باشند، درست که این روزها زمانه کمی نامهربان شده و ویروس کرونا بسیاری از معادلات زندگی را سخت و پیچیده کرده اما یقیناً می‌توان با همدلی و مهربانی آن را کم اثر کرد.

یادمان باشد با شتاب و بی‌توجهی به اطراف، می‌شود جاده زندگی را طی کرد ولی یقیناً با این سرعت و عجله، زیبایی و طراوت طبیعت کنار جاده را حس نخواهیم کرد.

مهربان‌کمی آهسته‌تر، اینجاندگی است و زندگی چیزی نیست جز حس خوب در کنار هم بودن با عشق و مهر.

۵۲

حمیده صفائی
دبیر شهرآرامگاه

جلسه مشترک اعضای دفتر تسهیگری جنت، سازمان مهندسی، کمیسیون تخصصی معماری و مرکز بازآفرینی شهرداری مشهد با هدف حساس‌سازی معماران در طراحی برای بافت‌های تاریخی و نگاه خاص به معماری شهری در دفتر تسهیگری جنت برگزار شد. در ابتدا اعضای حاضر بازدید از بافت تاریخی خیابان ارگ داشتند تا با تاریخچه و نوع معماری آن‌ها بیشتر آشنا شوند پس از بازدید میدانی، این جلسه در دفتر تسهیگری جنت برگزار شد.

ترانه مهاجر، دبیر گروه تخصصی، در ابتدای این جلسه گفت: هدف از این بازدید جریان‌سازی در حوزه همکاری سازمان نظام مهندسی و شهرداری است تا بتوانیم در بین طراحان و ناظران دغدغه هويت را ایجاد کنیم. به این افراد یادآوری کنیم که فقط به فکر ضوابط و استانداردها نباشند، بلکه حواسشان به بافت قدیمی و تاریخی شهر هم باشد و با توجه به این موضوع برنامه‌ریزی کنند.

مسعود حسینی فاطمی، عضو هیئت رئیسه گروه تخصصی معماری، ضمن تشکر از اجرای این برنامه بیان کرد: تا قبل از این بازدید به بافت‌های قدیمی و تاریخی نگاه معمارانه نداشتیم. امیدواریم با برگزاری این نوع جلسات درباره موضوع بافت‌های تاریخی و فرهنگی و

آثار میراث بهتر کار شود. وی پیشنهاد داد بازدیدهایی برای معماران جوان در نظر بگیرند تا پس از آشنایی با بافت‌های تاریخی و هویتی شهر مشهد بتوانند به شکل بهتری برای آینده شهر طراحی کنند.

● **رنگ و بوی هویت را نمی‌بینیم**
خیلی معمول نیست که حوزه اجتماعی با حوزه معماری تعامل داشته باشند.

محمد مدرس، معاون توانمندسازی و مشارکت‌های اجتماعی، با بیان این جمله در ابتدای صحبتش گفت: تعامل معماران و شهرسازان با سایر حوزه‌ها سبب می‌شود تا شهر هویت‌دارتری داشته باشیم. وقتی به طراحی معمارانمان در شهر نگاه می‌کنیم رنگ و بوی هویت را نمی‌بینیم و کم‌کم به آشفتگی در هویت می‌رسیم. برای رفع این مشکلات بهترین راه‌حل تعامل بین دیدگاه‌ها و رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و هنر با معماران و شهرسازان است که فکر می‌کنم سازمان نظام مهندسی به عنوان مرجع می‌تواند این گفت‌وگوها را شکل دهد.

وی ادامه داد: بافت‌های مختلفی در شهر مشهد داریم که در بحث بازآفرینی آن ورود کرده‌ایم، در میان این بافت‌ها فقط دو محله قابل بازآفرینی و تطبیق هستند. این دو محله کم‌کم به سمتی می‌روند که اگر کاری برای آن‌ها انجام ندهیم از زندگی خالی می‌شوند و به آرامی و به محله‌های آسیب‌زاد تبدیل خواهند شد. دفتر تسهیگری می‌تواند فضایی برای گفت‌وگو

حساس‌سازی معماران در طراحی بافت‌های تاریخی

در باره هویت شهری ایجاد کنند و هویت را به شهر برگردانند. هر چه هویت بیشتر شود، آسیب‌ها هم کمتر خواهد شد. ما می‌توانیم با تعامل انتقال دیدگاه‌ها در رشته‌های مختلف را داشته باشیم. به طور حتم معماران و شهرسازان ما نمی‌توانند فارغ از جامعه کار کنند. وقتی فردی برای ساخت و ساز به معمار مراجعه می‌کند و از او تنها یک چهاردیواری می‌خواهد که تعدادی در و پنجره داشته باشد در واقع حس زیبایی‌شناسی در ما تقویت نشده است، باید این حس را تقویت کنیم.

● **معماری بر اساس فرهنگ و هویت**
حیدر حبیبی، معاون فنی و شهرسازی سازمان بازآفرینی فضاهای شهری، نیز در این جلسه گفت: بحث بازآفرینی از سال گذشته مطرح شده است. ایجاد دفاتر تسهیگری جنت و سرشور گامی است به سوی کسب هویتی که از دست داده‌ایم. دفاتر بافت تاریخی مانند سایر دفاتر یکی از وظایفشان گفت‌وگو با مردم است تا آن‌ها را مجاب کنند بر اساس عنصر فرهنگ و هویت معماری کنند. در حقیقت یکی از ضروریات برای منطقه ما همین است که موضوع هویت را در طراحی معماران ببینیم. در این مسیر سازمان نظام مهندسی به عنوان مرجع می‌تواند به ما کمک کند.

● **نگاه مهندسان جوان را تغییر دهیم**
هادی ایوانی، مدیر دفتر تسهیگری جنت، با اشاره به این موضوع که در گذشته بیشتر توجه به

دربافتی به قلم دوربین

معضلی به نام پارک خودرو

مقابل پارکینگ خانه مردم باشد یا روی خط‌کشی عابر پیاده، خیلی وقت‌ها این افراد از روشن‌دلان نایب‌ترند و در مسیر نابینایان خودرویشان را پارک می‌کنند. مسیر دوچرخه هم که برایشان معنا ندارد.

وقتی به آن‌ها اعتراض کنید، عده کمی عذرخواهی می‌کنند و خودروشان را برمی‌دارند، اما عده زیادی از آن‌ها با چپ‌چپ نگاه کردنشان حساسی در دل به شما بد و بیراه می‌گویند و طلبکارانه خودروشان را برمی‌دارند.

بارها از رسانه‌های مختلف به مردم تذکر می‌دهند در هنگام پارک خودروهایشان، حواستان به دیگران هم باشد، اما گویا گوش شنوایی وجود ندارد و افرادی که خودروهایشان را پارک می‌کنند به جز خودشان فرد دیگری را نمی‌بینند و بی‌توجه به رعایت حقوق دیگران هر کجا که راحت‌تر هستند سریع پارک می‌کنند. برای این افراد فرقی نمی‌کند



علی عدالتیان

